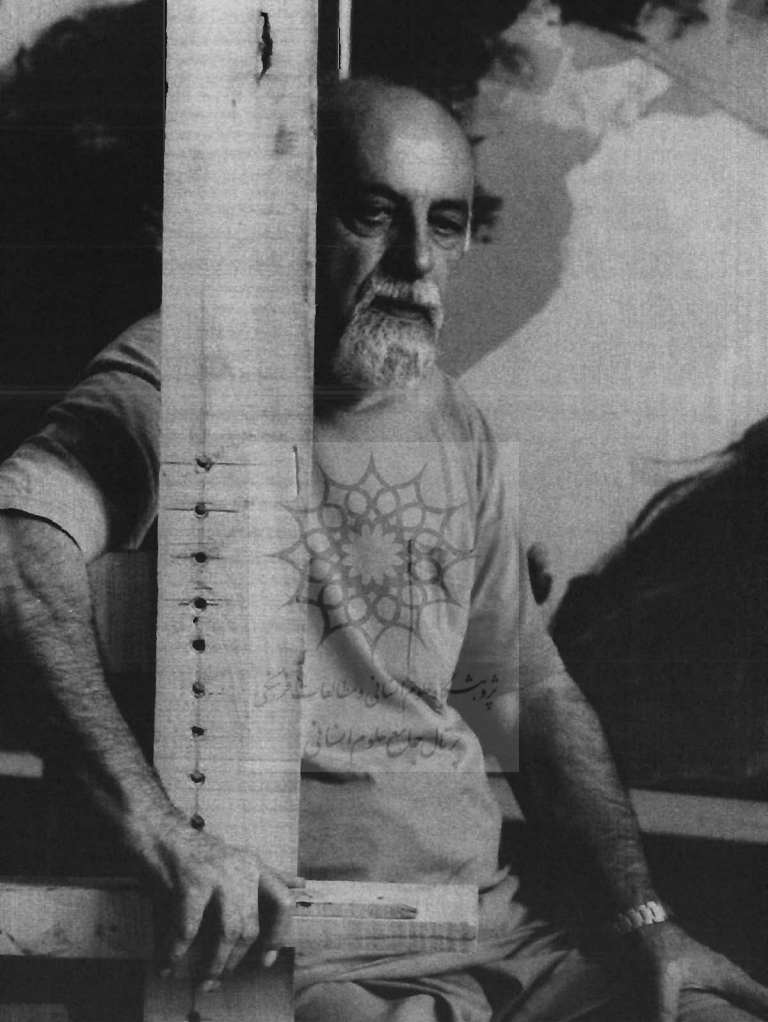


نگران فقر فرهنگی دیواری مان هستیم

گی با «هانبیال الخاص»

من در سال ۱۳۰۹ از پدر و مادری آشوری در کرمانشاه متولد شدم و با نمایشگاه نیما و شعرش دارم جشن ۷۴ سالگی ام را می‌گیرم. چند سال پیش جشن پنجاه سال نقشی خود را سه سال: برتر در موزه آزادی برقرار کردم. بیش از ۱۰۰ نمایشگاه، کانادا و آمریکا و استرالیا داشته‌ام. سی و پنج سال و اندی تدریس کرده‌ام (۵ سال در هنرستان پسران، ۶ سال در دانشکده هاننی سلو ایالت الی نوری آمریکا با سمت مدیر گروه و دانشیار، ۱۷ سال به طور رسمی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، و ۷ سال به طور موقت در دانشگاه هنر آزاد اسلامی). در حال حاضر نه بازنشستگی می‌گیرم نه بیمه پزشکی دارم. از سال ۵۲ به مدت چهار سال در روزنامه کیهان نقد هنری نوشته‌ام. چهار تا کتاب آموزش هنری تألیف کرده‌ام. برای دهها کتاب روی جلد کشیده‌ام و شعر مصور کرده‌ام. به زبان آشوری هزاران بیت، دو بیته، هایکو، قصیده و منظومه و غزل گفته‌ام. صدوپنجاه غزل حافظ را به زبان مادری ام با حفظ وزن و قافیه و معنی و طنز ترجمه کرده‌ام. بیش از ۳۰۰ متر مربع نقاشی دیواری کشیده‌ام. جز هزاران تابلوی کوچک و بزرگ، سه برده ۱۵ قطعه‌ای و چهار برده هشت قطعه‌ای نقاشی کرده‌ام. به مدت دو سال گالریی به نام گیلکمش که از اولین گالری‌های معاصر ایران بود، اداره کرده‌ام و این طراحان بزرگ به ترتیب سن ساگردان من بوده‌اند: بهمن بروجنی، منوچهر صفرزاده، مسعود سعدالدینی، نیلوفر قادری نژاد، هادی ضیاءالدین، ناصر محمدی، فرامرز رحمانی، ترانه صادقیان دیگر ساگردایم که بعضی‌شان شاید نخواهند اسم‌شان را بیاورم. و ساگردان ساگردانم که به نوعی نوه‌های من محسوب می‌شوند.

در نمایشگاه‌هایم با طنز و ابتکارهای مختلف مثل برقراری «هپتینگ‌ها» و انتخاب ایتراها برای نمایشگاه دادن یا بیل حواله کردن‌ها، و نقاشی‌های مملو از هزلیات عبید و مولوی کوشیده‌ام تا روند نمایشگاه بروهای مقرراتی را به هم بزنم. با فشاری من در مصاحبه‌ها و نوشته‌ها و تدریسم این بوده که به خرد بیندیشید و غرب را بی‌فرهنگانه تقلید نکنید. آخرین ایسم مهم‌ترین یا با دوام‌ترین شیوه نیست! بی‌برده سخن گفته‌ام. دشمن زیاد دارم. دوستان شفیق بیشتر. بی‌پروا قدمهای زیاد برداشته‌ام پس اشتباههای بی‌شمار مرتکب شده‌ام. دروغ کم گفته‌ام و این حرف آخر بزرگترین دروغم است.



پروفیسر
اساتذہ عالیہ اور مطالعات اسلامیاتی
وزارت عالیہ جامعہ علوم اسلامیاتی

○ در جوابهایی که خواهیم داد، از خودم می گویم.

○ از کارهایتان؟

○ طراحی و نقاشی، درس می‌دهم به بزرگترها و به کودکان، به بزرگترها آموزش می‌دهم، از کودکان می‌آموزم، شعر می‌گویم، به زبان فارسی، به زبان مادری‌ام آشوری و به زبان انگلیسی ترجمه می‌کنم. کتاب می‌نویسم، تا به حال چندین کتاب از من چاپ شده است، در روزنامه‌ها بخوانید، غزلیات حافظ را ترجمه کرده‌ام به زبان آشوری و با تصاویر خودم که آماده چاپ است. ۱۰۰ شعر از کارل سندبرگ شاعر آمریکایی را هم ترجمه کرده‌ام.

○ چطور به نقاشی علاقمند شدید؟

○ تصادفی، مثل زاده شدن، ازدواج و فرزند داشتن، همانطور که یکی نانو می‌شود یا آهنگر.

○ از چه سبکی پیروی می‌کنید؟

○ از کار آکادمیک شروع کردم و با مکاتب مختلف به صورت تجربی آشنا شدم، در حال حاضر بعد از ۶۰ سال نقاشی به سبک خودم کار می‌کنم که رئالیسم روایی‌ست، فرق سبک بینی امضا و استیل را با مکتب باید دانست، هر کسی اگر کار دیگران را کپی نکند، سبک خود را دارد.

○ نقاشی چگونه می‌تواند زبان گفت‌وگو باشد؟

○ همانطور که ادبیات می‌تواند گفتگو کند، شعر یا هنر، آداب و رسوم یا فرهنگ آثار فرهنگی، فولکلور، کار دستی، سرامیک و قالی هم می‌توانند گفت‌وگو کنند، برای مثال نقاشیهای رنسانس ایتالیا به ما می‌گویند که ما در چه اوجی بوده‌ایم و به چه مقام والایی رسیده‌ایم.

○ یکی از راههای گفت‌وگو، آموختن است. من در بندی از قطعه‌نامه آورده‌ام:

تواضع آموختن از هنرمندان بزرگ تاریخ، از بومیان و هنرمندان خودساخته و آبدیده شدگان حرفه‌ای، مانند گلیم‌بافان، کاشیکاران و رنگرزان، باید یکی از زیباترین خصلتهای ما باشد.

○ اومانیسیم چیست؟ شکوه در هنر چه ترتیبی دارد؟ تعالی یعنی چه؟

○ اومانیسیم یعنی درد مشترک انسان‌گرایان، غمخواری برای مردم، که در قطعه‌نامه و مانیفست من، به آن اشاره شده است، همین غمخواری است که بنیاد همه هنرهاست.

غمخواری، بنیاد همه هنرهاست. گریه برای غریبان، برای انسان بی‌خانه، بی‌وطن، بی‌الفا، و نوحه‌سردادن برای حیواناتی که نسلشان در حال انقراض است، و برای آب‌آزن و فضای سبز که رو به کاهش است، سهم بزرگی از غمخواری ماست.

○ ما باید صبح و صلح و نور و سرور را بجوییم و نیندازیم که «امید و یسارت» از تعالی هنر می‌کاهد.

○ جسارت و غرور سالم، از ضروریات خلاقیت در طراحی و هنر متعالی است و آنجا که خطا، به عنوان اصلی‌ترین عنصر طراحی جسورانه نقش می‌بندد، طراحی به اوج خود می‌رسد.

○ به اعتقاد ما، مکاتب هنری دوامی بس دراز یا همیشگی ندرند. مادام که به عشق باور داریم، مکتب رمانتیسیسم، مادام که شخصیت هنرمند و سبک و امضای هنری‌اش مشخص است، مکتب اکسپرسیونیسم، مادام که انسان با خواب، رویا، کابوس و آرزوهایش دلمشغول است، مکتب سوررئالیسم نمی‌تواند مردود به شمار آید و باید با اندیشه امروزین به این مکتبها خلقتی نو بخشید.

○ نقاشی ایرانی چه سیری را پیموده و به کجا می‌رود؟

○ اگر سؤال کنید نقاشی ایرانی از چه زمانی شروع شده و چه سیری را پیموده است بهتر می‌شود جواب داد، در ایران هنر نقاشی از ابتدا بوده و افت و خیزهایی داشته است، ولی اگر منظورتان مدرنیسم در ایران باشد، من معتقدم بیراهه رفته است.

○ با برقراری روابط بهتر، شناختن و شناساندن هنر امروز، ایران می‌تواند افتخارآمیز باشد در طراحی، جوانی ما امکانات جهانی شدن دارند.

○ کثرت بی‌نظیر فرهنگها و اقوام ایران را باید ثروتی بی‌نظیر دانست و باید با تک‌تک آنها رابطه برقرار کرد.

○ ما هنر گذشته را مرده‌ریگی بی‌بها از نسلی فراموش شده نمی‌دانیم، و برای این سخن شاعر داغستانی، «رسول حمزه توف» احترام خاص قائلم: «هرکس که به گذشته خود تیری برتاب کند، آینده او را به توپ خواهد بست.»

○ آیا ویژگیهای قومی هموطنان آشوری در آثار شما نمودی دارند؟

○ هر هنرمندی که هنر را با عشق دوست دارد، در هنرش تمام خصلتهای ملی و جهانی، خانوادگی و انسانی، ملی و فرهنگی او نمود خواهد داشت. آثارش باید این جواب را بدهد. زمان هم می‌خواهد تا این موهبت مشخص شود.



دوست دارم در سؤال شما به جای نقاشان هنرمندان را بگذارم. در این صورت، می‌توانم بگویم همه هنرمندان خوب، از شاعران ایرانی فهرست درازی دارم. از نویسندگان هم همینطور، از موسیقیدانان بیشماری تاثیر گرفته‌ام و غیرمستقیم هم باشد که بیشتر. گاهی یک بیت شعر یا یک هایکو ژاپنی، ترمنی از یک آواز محلی، یک نگاه به پرده هنری قدیمی یا امروزی. یک تبسم مادر تریک سمفونی ژو موزارت یا مزروسکی، بلوز (bluese) یک سیاهپوست. نظری به یک نقش برجسته یک کاشی، تاثیری چنانچه دارد.

○ ارتباط نقاشی را با دیگر هنرها چگونه می‌بینید؟

. علمی به اسم علم تطبیقی همه ناندگاهها، شاخه‌های بی‌شماری دارد مثل ادبیات تطبیقی و... درمانیفست من می‌توانید جواب این سوال را پیدا کنید:

«ما وظیفه داریم که در آشتی هنرها با یکدیگر، تلاش کنیم و از این رو اصرار داریم:

الف. افتتاح هر نمایشگاه با اجرای موسیقی یا شعرخوانی همراه باشد. ب. بر آگاهی خود نسبت به موسیقی، شعر، داستان‌نویسی و تئاتر بیفزاییم و بدانیم که تفکر عمیق و نگاه چند لایه در هنر، از این آگاهی‌ها سرچشمه می‌گیرد. ج. کتاب خواندن، رفتن به تئاتر، کنسرت و سینما باید از عاداتهای زندگی‌مان باشد.»

○ قطعه‌نامه و مانیفست مشهور شما چگونه شکل گرفت؟

. «اصل همه غریبان آدم بود. پیشین همه غمخواران آدم بود. نخستین همه گریندگان آدم بود.

بنیاد دوستی در عالم آدم نهاد. آیین بیلاری شب آدم نهاد.

نوحه کردن از درد هجران و زاریدن به نیم‌شبان سنتی است که آدم نهاد.

همه شب مردمان در خواب، من بی‌بیار چون باشم؟

غنوده هر کسی با بار، من بی‌بار چون باشم؟

آخر چون نسیم سحر، عاشق‌وار سربرزد و لشکر صبح کمین برگشلا و پتنگ بر ظلمت شب زد، جبریل آمده به بشارت که: «یا آدم! صبح آمد و صلح آمد نور آمد و سرور آمد. برخیز ای آدم.»

وصل آمد و از بیم چلبایی رستیم

با دلبر خود به کام دل بنشستیم.

وقتی این متن زیبا را از «کشف‌الاسرار» میدیدی در گفت‌وگوی ناصر حریری با احمد شاملو از کتاب «درباره

هنر و ادبیات» خواندم، پس از یک دوری پانزده ماهه از ایران، به شوق آمدم تا مانیفستی برای «هنر طراحی» بنویسم. این

مانیفست، حناقل ثمره سی - چهل سال جر و جدال اندیشه‌های من با خود بوده است.

○ در هنر به کجا می‌خواهید برسید؟

در قطعه‌نامه‌ام گفته‌ام:

ما نگران فقر فرهنگی دیواری‌مان هستیم و می‌خواهیم بکوشیم تا آن را به سطح فرهنگ مفروش‌مان برسانیم. ما می‌خواهیم

به معنای این جمله از تذکره‌الاولیا، بخش حلاج، فریدالدین عطار نیشابوری برسیم که «معرفت، دین اشیا است و هلاک همه

در معنا» برای ما، هر شیئی را که تصویر می‌کنیم باید مقام تاریخی، شخصی و رابطه‌ای در معانی جهانی داشته باشد. ما باید

به «معاد، مذهبی و یا تاریخی باور داشته باشیم. یعنی هنرمند باید بداند که تاریخ، راست و دروغ ادعاهای او را در نهایت عریان

خواهد کرد. شعر همیشه می‌تواند از شعر نیماست: «هر آن اندیشه در ما مردگی آموز، ویران، آمین، آمین». برای ما

اندیشه «مردگی آموز» مترادف است با هر آنچه از شوق و شور، سلامت و از باور ما به خود بکاهد.

○ از آینده بگوئید، برنامه‌های آتی و غیره...

ما باید در حد امکان در نمایشگاه‌ها حضور فعال داشته باشیم. شرکت در یک نمایشگاه فردی و دو نمایشگاه گروهی را حداقل

فعالیت سالانه برای گروه‌مان می‌دانم.

قرار است برای اول تا ۲۱ اسفند ۱۳۸۲ در گالری صبا نمایشگاه مروری بر ۶۰ سال نقاشی کردن همراه آثار نقاشانی که زمانی

شاگردان من بوده‌اند را داشته باشیم، این بزرگداشتها در اروپا و آمریکا و کانادا هم برقرار خواهد شد. دستاوردهای این نمایشگاه که

سوال آخر شما هم هست را نظاره کنید. در اینترنت هم نشان خواهند داد. بیوگرافی، تصویر آثار را می‌توان در سایت زیر هم دید.

elahe elahe, net

در آمریکا قرار است ۲۵ سپتامبر نمایشگاهی در لوس آنجلس و نمایشگاه‌های دیگری در جاهای دیگر داشته باشم و چون هنوز

برقرار نشده، نمی‌توانم جواب سؤالهای دیگر را بدهم.

